

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

بهرام رحمانی
۱۱ جنوری ۲۰۱۳

مذاکرات ایران و امریکا:

افسانه یا واقعیت!؟

مقدمه

در هفته های اخیر، اخبار و گزارشات زیادی در رسانه های داخلی ایران و سطح بین المللی، در رابطه با مذاکره مخفیانه نمایندگان حکومت اسلامی ایران و امریکا پخش شده و هنوز هم ادامه دارد.

آخوند "علی سعیدی" نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران، شب هفدهم جدی ۱۳۹۱ برابر با ششم جنوری ۲۰۱۳، طی سخنانی در دفتر حزب مؤتلفه، ادعا کرد: «نقش خداوند تولید ولایت و نقش مردم تولید قدرت است و مردم باید برای تصاحب قله های بلند با رهبری حرکت کنند.» نماینده ولی فقیه در سپاه با تشریح توطئه های دشمنان علیه انقلاب «اسلامی» خاطر نشان کرد: «توطئه دشمن ترکیبی و بر اساس سه عنصر «تحریم، مذاکره و تهدید» است.» او، از این سه عنصر اصلی ترین حربه دشمن را تحریم دانست و افزود: «آن ها هرگز به دنبال مذاکره نیستند و از مذاکره هم چیزی در نمی آید. کشور ما آن قدر با امریکا مشکل دارد و امکان عقب نشینی از هیچ کدام از مشکلات وجود ندارد.» سعیدی، با تشریح این مشکلات گفت: «مشکلات ایران با نظام سلطه بر سر مسائلی نظیر حمایت ایران از حزب الله، حمایت از غزه، بیداری اسلامی، عراق، بحرین، مسائل هسته ای و حقوق بشر است، حالا با چنین شرایطی آیا امریکا به دنبال مذاکره است؟»

از سوی دیگر، واشنگتن پست نیز به تازگی نوشت: تحریم های جدید امریکا باعث گسترده تر شدن جنگ اقتصادی با ایران شده اند. این تحریم ها زیرساخت های اقتصادی و صنعتی ایران را هدف گرفته اند. مقامات کنگره و کارشناس اقتصادی می گویند اقتصاد ایران به خاطر تحریم ها بسیار ضربه خورده است و تحریم های جدیدی که توسط کنگره تصویب و به امضای اوباما رسید، ضربات مهلکی را به بخش های گوناگون صنعت از قبیل حمل و نقل کالا، بنادر و رسانه های دولتی ایران خواهد زد.

اما به نظر می رسد اگر این مذاکرات واقعیت داشته باشد اما هنوز به جایی نرسیده است. چرا که اظهار نظرهای مقامات حکومت اسلامی و اقدام جدید دولت امریکا در تشدید تحریم های اقتصادی یک جانبه علیه ایران، نشان دهنده بی نتیجه ماندن مذاکرات اخیر آن هاست.

در رابطه با مذاکرات ایران و امریکا در سه دهه گذشته، بحث ها و روایات زیادی بیان شده است. شواهد و قرائن نشان می دهند که به مناسبت های مختلف از جمله وقایع عراق و افغانستان نمایندگان طرفین بارها با همدیگر مذاکره کرده اند. اما طرفین، همواره این مذاکرات را پشت درهای بسته و مخفیانه انجام داده اند و از کم و کیف توافقات و تضادهای

آن‌ها خبر چندان‌ی در دست نیست. هم چنین نمایندگان ایران و آمریکا در جلسه‌های مکرر پنج‌به‌علاوه یک مستقیماً حضور دارند.

موضوع رابطه ایران و آمریکا، بیش از سه دهه در ادبیات سیاسی دو کشور، بحث‌های دائمی را دامن زده و این روزها نیز هم‌زمان با انتخاب مجدد اوپاما به ریاست جمهوری، این بحث‌ها بار دیگر مطرح شده است.

شکی نیست که هیأت آمریکا و ایران در تغییر و تحولات منطقه منافع مشترک اقتصادی، سیاسی، دیپلماتیک و نظامی دارند. به خصوص آمریکا و متحدانش که تاکنون در باتلاق عراق و افغانستان گیر کرده اند دست کم اگر بتوانند از دخالت حکومت اسلامی در امور داخلی این کشورها بکاهند دستاورد بزرگی نصیب‌شان خواهد شد. زیرا در این کشورها گروه‌هایی هستند که از حکومت اسلامی ایران خط می‌گیرند و بر وقایع داخلی این کشورها تأثیر می‌گذارند. یا منافع آن‌ها در کشورهای عربی هم چون سوریه و لبنان و فلسطین و یا در برخی کشورهای آمریکای لاتین به ویژه ونزوئلا، حکومت ایران و آمریکا را به تخاصمات و توافقات می‌کشاند.

آن‌چه که در زیر به آن‌ها می‌پردازیم پیرامون مذاکرات مخفیانه نمایندگان ایران و آمریکا در ژنو و قطر و دبی است. قبل از هر مسأله‌ای باید روشن ساخت که هیأت حاکمه آمریکا و ایران، چه منافع مشترکی در منطقه و تحولات و وقایع آن دارند. سپس اظهارنظرهایی که درباره مذاکره اخیر آن‌ها بیان شده است و نهایتاً چشم انداز این مذاکرات چه تأثیری در تحولات جامعه ایران دارد.

مذاکرات اخیر ایران و آمریکا

برخی از مقامات حکومت اسلامی، قبل از انتشار شایعات مذاکره حکومت‌شان با نمایندگان هیأت حاکمه آمریکا را نه تنها رد نکرده اند؛ بلکه آن را توجیه و تئوریزه نیز نموده اند. برای نمونه، حسین شیخ الاسلام، مشاور امور بین‌الملل علی لاریجانی رئیس مجلس، ۲۰ ماه عقرب ۱۳۹۱، در دانشگاه رشت، گفت: «هرجا که مذاکره با آمریکا به مصلحت نظام باشد مذاکره می‌کنیم.»

در همان روز، منوچهر متکی وزیر سابق امور خارجه که ماجرای برکناری او به دعوائی طولانی میان منصوبان خامنه‌ای و احمدی نژاد تبدیل شد، در جلسه‌ای با موضوع «بررسی مسایل سیاسی روز» در دانشگاه علوم کشاورزی گرگان، گفت: «موضوع ایران و آمریکا موضوعی حزبی نیست، بلکه پروژه‌ای ملی است.» او، ضمن اشاره به سخنان خامنه‌ای در شیراز، گفت: «براساس بیانات مقام معظم رهبری در شیراز، عدم رابطه ما و آمریکا تا ابد نیست و این نشان می‌دهد که این رابطه نیازمند بررسی است.»

بسیاری از رسانه‌های داخلی و بین‌المللی درباره چگونگی مذاکرات مخفیانه ایران و آمریکا خبر و گزارش و تحلیل منتشر کرده اند. به نظر یکی از مهم‌ترین تحلیل‌ها درباره مذاکرات مخفیانه ایران و آمریکا را نویسندگان روزنامه «کریستین ساینس مانیتور» ارائه داده اند که مدت هاست، منتشر شده است. آن‌ها، در مطلبی با عنوان «راه مخفی اوپاما برای رابطه با ایران»، راهکارهایی را برای از سرگیری روابط ایران و آمریکا پیشنهاد کرده است.

در این مقاله، رفتار دولت اوپاما به بازی «موش و گربه» تشبیه شده است که ظاهراً کنایه از تغییر مداوم رفتار و احتمالاً اظهارنظرهای متفاوت مقامات آمریکایی است. البته نویسندگان مقاله اشاره نمی‌کنند که هدف از این بازی چیست، اما به نظر می‌رسد که اصولاً یکی از اهداف چنین بازی، گیج کردن طرف مقابل است تا توان پیش‌بینی رفتار بعدی را از دست بدهد. با این حال، به نوشته این مقاله دولت جدید آمریکا «مشتاق حضور در هر گردهمایی بین‌المللی است که احتمالاً منجر به گفت و گوی رو در رو» با مقامات ایران شود.

نویسندگان بر این باورند که اوپاما، از مواضع اولیه خود عدول کرده و ایران از این امر ناخرسند است: «تا این جا، جمهوری اسلامی از عقب نشینی اوپاما ناراضی است و این خلاف درخواست اوپاما برای شروعی تازه و کنار گذاشتن پیش شرط های دوران بوش، یعنی تعلیق غنی سازی اورانیوم، برای از سرگیری مذاکرات هسته ای است.» برای نمونه این نشریه تکذیب خبر دیدار آخوندزاده، نماینده هیأت ایرانی، با ریچارد هالبروگ، نماینده ویژه امریکا در امور افغانستان و پاکستان، در کنفرانس افغانستان در لاهه هالند از سوی وزارت امور خارجه ایران را نشانه نارضایتی ایران قلمداد کرده است.

نویسندگان این مقاله، توصیه هائی برای دیپلمات های امریکائی دارند؛ اول این که امریکائی ها در صدد مذاکرات پنهان با ایران باشند. این پیشنهاد یک سال قبل مذاکره کننده خاورمیانه ای کهنه کار و نماینده ارشد اوپاما برای مذاکرات احتمالی با ایران، «دنيس راس» است. سال گذشته، او در مقاله ای پژوهشی خواهان «کانالی مخفی و مستقیم» با ایران شده بود. از نظر راس، چنین پنهان کاری هر دو طرف را از واکنش احتمالی و عجلانه هر مقامی، مصون خواهد داشت.

دوم این که از میان موضوعات متنوع، از برنامه هسته ای ایران گرفته تا روزنامه نگار امریکائی متهم به جاسوسی، از موضوعاتی شروع کنند که ایران و امریکا در آن ها منافع مشترک فراوانی دارند مانند افغانستان. منافع مشترک هر دو کشور در افغانستان به زعم این نشریه عبارت است از: عدم قدرت گیری مجدد القاعده و ارسال تروریست به سایر مناطق، آرامش در تمامی مرزهای ایران، جلوگیری از تأمین ۹۰ درصد هروئین جهان در افغانستان که ۵۸۲ مایل با ایران مرز مشترک دارد، پایان دادن به تلفات انسانی ناشی از مبارزه با مواد مخدر، مقابله با اعتیاد.

به نظر نویسندگان این مطلب، اگر گفت و گوهای ایران و امریکا در مورد افغانستان آغاز شود، یک موضوع اساسی این خواهد بود که کدام کشور در افغانستان نفوذ بیش تری به دست خواهد آورد: ایران یا ایالات متحده و یا هیچ یک. آن ها بر این باورند عراق می تواند الگوی مناسبی باشد، چرا که «هر دو کشور به توافقی در مورد نفوذ در عراق پس از خروج نیروهای امریکائی رسیده اند، چرا در مورد افغانستان به چنین توافقی دست پیدا نکنند؟» چنین پاسخی نشانگر آن است که آن ها تلویحاً نفوذ ایران در منطقه را به رسمیت شناخته اند و از شراکت سخن می گویند.

نویسندگان این مقاله، بزرگ ترین مانع در این مسیر را بی اعتمادی شدید ایران به ایالات متحده می دانند. به نظر آنان، این بی اعتمادی ریشه در دوران بوش دارد؛ در سال ۲۰۰۱ ایران به امریکا در حمله به افغانستان کمک کرد، اما بخشی از «محور شرارت» نام گرفت، همین رفتار امریکا احساس نامطلوبی در ایران ایجاد کرد. هم چنین ایران اطمینان ندارد که اوپاما تا چه اندازه از عهده مسایل داخلی یا فشار اسرائیل بر خواهد آمد و چه مسیری را در پیش خواهد گرفت. به باور نویسندگان مشارکت ایران و ایالات متحده در حل مسأله افغانستان برای دو کشور به مثابه تمرینی است در جهت اعتمادسازی و حل مسائل دشوارتر؛ با اقدام دو جانبه در مورد تمایل مشترک، یعنی ایجاد ثبات در افغانستان مورد تهدید طالبان و تا حدودی پاکستان، دو دشمن قدیمی باید اعتماد کافی برای حل موضوعات دشوارتر را به وجود آورند، مسائلی که نیازمند مصالحه بیش تری هستند. «ایران و ایالات متحده مجبورند با حسن نیت از جایی شروع کنند تا از شکست مذاکرات درباره موضوع هسته ای جلوگیری کنند و هر دو باید اندک اندک شروع کنند. چنان که پیش از این یک دیپلمات ایرانی گفته بود، مذاکرات تهران با غرب شبیه بافتن فرش ایران است. آن ها تنها می توانند «میلیمتری پیش روند.»

ایران یکی از موضوعات انتخابات ۲۰۱۲ ریاست جمهوری امریکا

مسأله ایران و جلوگیری از فعالیت های اتمی حکومت اسلامی، یکی از مهم ترین مباحث تبلیغاتی کاندیداهای ریاست جمهوری ۲۰۱۲ آمریکا بود. میت رامنی کاندیدای جمهوری خواهان و اوباما کاندیدای دموکرات ها، در آخرین مناظره انتخاباتی خود در خصوص سیاست های کاخ سفید در قبال ایران سخن گفتند. در این مناظره، اوباما ادعای تأثیرگذاری تحریم ها را مطرح کرد و میت رامنی نیز ادعا کرد که ایران در دوران چهار سال گذشته ریاست جمهوری اوباما، چهار سال به دست یابی به سلاح هسته ای نزدیک تر شده است. هم چنین اوباما و رامنی بر تعهدات خود مبنی بر حمایت از حکومت اسرائیل، تأکید کردند. در چنین شرایطی، مقامات کاخ سفید مسأله مذاکره مستقیم با حکومت اسلامی ایران را مطرح کردند.

در آن روزها، در برخی رسانه های ایران، آمریکا و فرانسه، اخبار تأیید نشده ای انتشار یافت که از مذاکره محرمانه علی اکبر ولایتی با مقام های امریکائی حکایت دارد. ولایتی مشاور بین المللی رهبر حکومت اسلامی ایران، در پاسخ به سؤال سایت محافظه کار «مشرق» در مورد اخبار حاکی از «مذاکره مستقیم وی با امریکائی ها»، این اخبار را تکذیب کرده است.

در همان روز انتشار این خبر، روزنامه فرانسوی لوموند نوشت «یکی از مسؤولان دولت امریکا» به طور مخفیانه با علی اکبر ولایتی مذاکره کرده است. لوموند، این مسؤول امریکائی را «رابرت اینورن» معرفی کرد که به نوشته این روزنامه در سال ۲۰۰۹ پیشنهاد مبادله اورانیوم غنی شده ایران در خارج از این کشور را به مقام های حکومت اسلامی داده بود.

این خبر، به نوبه خود دو هفته پس از آن انتشار یافت که سایت امریکائی ولندنت دیلی مدعی مذاکره محرمانه ولایتی با مقام های امریکائی برای رسیدن به نوعی توافق هسته ای شد، هرچند محل این مذاکره را دوحه پایتخت قطر ذکر کرد. این سایت، که از رسانه های دست راستی مدعی افشاءگری در مورد فساد حکومتی است، مدعی شد که سرپرست هیأت امریکائی «والری ژارت» از مشاوران باراک اوباما بوده و حتی شماره پرواز هیأت امریکائی را نیز ذکر کرده است. یک هفته پیش از آن، روزنامه امریکائی نیویورک تایمز به نقل از منابعی در دولت امریکا نوشت که ایالات متحده و ایران درباره «اصول گفت و گوهای دوجانبه» بر سر برنامه هسته ای ایران به توافق رسیده اند. وزیر خارجه ایران و سخنگوی شورای امنیت ملی امریکا این خبر را تکذیب کردند، هرچند مقام امریکائی گفت که امریکا آمادگی انجام «مذاکرات دوجانبه» با ایران را دارد. در واکنشی دیگر، شبکه امریکائی ان بی سی به نقل از یک «مقام ارشد» دولت امریکا گزارش کرد که تهران و واشنگتن از طریق کانال های غیررسمی موافقت کرده اند که بر سر پرونده هسته ای ایران به مذاکره بپردازند اما بر سر جلسه مذاکره هنوز توافقی صورت نگرفته است.

"محسن رضائی" فرمانده سابق سپاه پاسداران و دبیر مجمع تشخیص مصلحت، در ۲۱ عقرب، به مقاله آسوشیتدپرس در رابطه مذاکره با امریکا، واکنش نشان داد و گفت: «پیش از مذاکره با امریکا باید با ۱+۵ به نتیجه رسید.» او، افزود: «ما باید توجه داشته باشیم اگر سرنوشت کشور با هرکدام از ابرقدرت ها را بدون تعامل با دیگر قدرت های جهانی بیوند دهیم، به طور ناخواسته وارد دعوی بین ابرقدرت ها خواهیم شد.»

هم چنین درباره شایعه مذاکرات ایران و امریکا، سایت حکومتی «بازتاب»، ضمن این که این مذاکرات را رد نکرده در عین حال در گمانه زنی خود، چنین نوشته است: «انتشار خبر مذاکره ولایتی با دولت ایالات متحده در خاک امریکا مهم ترین شایعه امروز فضای مجازی است، اگرچه طی یکی دو روز آینده یکی از سخنگویان دولت امریکا احتمالاً به صورتی صریح درباره صحت یا سقم این شایعه موضع گیری خواهد کرد اما به نظرم وجود سه عنصر در این خبر کوتاه نشان از ساختگی بودن آن دارد:

اول: مذاکره بین ایران و امریکا ابتداء قطعاً و برای چند دور در کشور ثالث صورت می گیرد قطر، عمان، عراق یا ترکیه گزینه های اولیه به نظر می رسند و امریکا بعیدترین گزینه برای جمهوری اسلامی است.

دوم: فرد مذاکره کننده قاعدتاً باید کارکردی متفاوت با دکتر ولایتی که یک چهره سیاسی - دیپلماتیک و کاندیدای ریاست جمهوری است داشته باشد، نظام از سایر مهره های خود برای چنین مذاکره ای استفاده خواهد کرد که کارکرد مستقیم و غیرسیاسی داشته باشند.

سوم: همراهی طائب، رئیس سازمان اطلاعات سپاه بعیدترین قسمت شایعه است، سفر وی به خاک امریکا در حالی که در فهرست سیاه قرار دارد کمی طنزآمیز به نظر می رسد. با این حال به نظر می رسد خبر یکشنبه سی ان ان درباره گفت و گوهای محرمانه ایران و امریکا را که به توافقی منجر نشده، باید جدی تر گرفت در ادبیات دیپلماتیک گفت و گو با مذاکره تفاوت دارد و به عنوان مقدمه ای برای آن محسوب می شود بنابراین خوشبینانه ترین نوع نگاه به این شایعه آن است که ولایتی نبوده کس دیگر بوده، امریکا نبوده جای دیگری بوده، طائب هم اصلاً نبوده، مذاکره هم نبوده گفت و گو بوده است و به توافقی منجر نشده است.

و نکته دیگری که می تواند قابل تأمل باشد این است که مذاکره و توافق با دولتی که کم تر از ده روز تا پایان عمرش باقی ست برای طرفین ماجرا کمی عجیب به نظر می رسد. مگر این که نظر بر کمک در حفظ اوپاما باشد و قرار است این گفت و گو برکه برنده ای برای اوپاما باشد. احتمالاً همان شایعه ای که درباره سفر ولایتی به امریکا در اوائل تابستان در تهران پخش شده بود تازه به دوستان رسیده، البته شاید هم خبر درست باشد، به هر حال سخنگوی دولت امریکا قطعاً در این شرایط حساس قبل از انتخابات نمی تواند در برابر خبرنگاران دروغ بگوید پس منتظر می مانیم. می بینیم که سایت بازتاب که دیدگاه های بخشی از حاکمیت جمهوری اسلامی را نمایندگی می کند با وجود توجیه و حاشیه نگاری، «شایعه» مذاکره مخفیانه نمایندگان حکومت شان با حکومت امریکا را رد نکرده است.

این خبرها، تنها بخشی از مجموعه گزارش های تأیید نشده مطبوعات جهان در مورد مذاکرات غیرعلنی ایران و امریکا در هفته های اخیر هستند.

معاون وزیر امور خارجه روسیه، ضمن اشاره به این که روسیه از تماس های غیررسمی بین ایران و امریکا مطلع است، گفت: «مسکو مایل است که واشنگتن و تهران وارد مذاکرات مستقیم دیپلماتیک شوند تا طرح حمله اسرائیل به ایران را خنثی کنند.» سرگئی ریابکوف، معاون وزیر خارجه روسیه، گفت: «در حال حاضر تماس های غیررسمی میان ایران و امریکا برقرار است اما مذاکرات مستقیم هم ممکن است و ایجاد چنین ترتیباتی به هیچ وجه برای ما مشکل درست نمی کند و با آن مخالف نیستیم.»

اما روزنامه فایننشال تایمز با انتشار موضع جدید روسیه، نوشت که دولت روسیه برای اولین بار به صورت آشکار ایران و امریکا را تشویق به آغاز مذاکرات مستقیم و رودررو درباره موضوع هسته ای این کشور کرده است.

ریابکوف که نماینده روسیه در مذاکرات گروه ۱+۵ و ایران نیز است در مصاحبه با فایننشال تایمز گفته است: «ما هیچ بحثی راجع به این موضوع نداریم اما مسکو امیدوار است که از محتوای مذاکرات آگاه باشد.»

علی اکبر صالحی، وزیر امور خارجه، در واکنش به سخنان سرگئی ریابکوف در مورد تماس های غیررسمی ایران و امریکا و در توجیه سخنان او گفت: «ما قبلاً نیز با امریکا گفت و گوهای موضوعی داشته ایم، درباره عراق و افغانستان مذاکراتی صورت گرفته است.»

صالحی، در ادامه در پاسخ به این پرسش که معاون وزیر خارجه روسیه و نماینده این کشور در ۱+۵ گفته است از گفت و گوی مستقیم تهران و واشنگتن برای حل مسأله هسته ای استقبال می کنیم، گفت: «گفت و گوی مستقیم بین ایران و امریکا درباره مسائل موضوعی قبلاً بوده است مثلاً در بحث افغانستان و عراق ما گفت و گوهائی انجام داده ایم، الان

نیز درباره پرونده هسته ئی تقریباً می توان گفت به صورت غیرمستقیم با امریکا گفت و گو در چارچوب ۱+۵ انجام می شود زیرا نماینده امریکا در آن جا حضور دارد بنابراین گفت و گوی موضوعی با گفت و گوی شامل دوجانبه سیاسی که بخواهد در برگیرنده همه مسائل سیاسی باشد، فرق می کند زیرا تصمیم چنین گفت و گوی جامع و شاملی که ابعاد سیاسی را بین دو کشور بخواهد در بر بگیرد با مقام معظم رهبری است.»

آیا از مجموعه این تفسیرها و تحلیلی ها و خبرها باید نتیجه گرفت که حکومت اسلامی ایران و ایالات متحده در حال مقدمه چینی مذاکرات محرمانه هستند و یا این که واقعاً مذاکرات خود را آغاز کرده اند؟ واقعیت این است که در ۳۳ سال گذشته، بارها این سؤال مطرح شده و این بار نیز، این احتمال را بدون قضاوت در مورد میزان موفقیت احتمالی چنین تلاش هائی نمی توان قطعی یا منتفی دانست.

ولی مهم تر از احتمالات کلی مطرح در زمینه مذاکره محرمانه نمایندگان حکومت اسلامی ایران و حکومت امریکا، مجموعه خبرهای تأیید نشده جدید ناظر بر یک ادعای مهم و مشخص هستند که عبارت است از نقش داشتن مقام هائی ارشد در حد مشاور بین المللی رهبر ایران در گفت و گوهای محرمانه با دولت دموکرات امریکا. از سوی دیگر، اگر این خبر صحت داشته باشد، فارغ از منبع انتشار آن، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار خواهد بود. چرا که با توجه به نزدیکی علی اکبر ولایتی به شخص آیت الله خامنه ای، به معنی جدی ترین تلاش یک رهبر حکومت اسلامی برای دست یابی به توافقی محرمانه با امریکا است.

عراق

جغرافیای سیاسی عراق، سه تنگنای ستراتیژیک دارد. سه منطقه کردنشین در شمال، عرب سنی مذهب در مرکز و شیعیان در جنوب. این ستراتیژی، همواره فضای رقابتی حساسی را در کشور به وجود آورده است. یکی از مهم ترین و برجسته ترین ویژگی و جذابیت کشور عراق برای حکومت های غربی به لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک شکستن ناسیونالیسم عربی که صدام حسین مدعی رهبری آن بود و به لحاظ اقتصادی وجود ذخایر عظیم نفتی آن است که خود موجب تقابل های متعددی در فضای درونی و محیط منطقه ئی است. بنابراین، تحلیل وضع داخلی و بیرونی عراق، بدون توجه به این سه ستراتیژی و ذخایر عظیم نفتی آن، تحلیلی ناقص است. در واقع تهاجم عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ و رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ زمینه و بهانه ای به دست هیأت حاکمه وقت امریکا داد تا برای رسیدن به اهداف خود در این کشور و در سطح منطقه ئی و جهانی سرعت بخشد. اعلام جنگ علیه تروریسم و مبارزه با آن، ترفند و رویکرد نوین امنیتی امریکا در منطقه و حاوی پیامدهای حساس برای کل خاورمیانه بود.

امریکا، هم چنین با هدف تثبیت هژمونی خود بر جهان و در جهت دادن به نظم نوین جهانی پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ و تضمین امنیت حامیانش در منطقه، به خصوص حکومت اسرائیل، حتی بدون جلب حمایت متحدانش و سازمان ملل، به عراق حمله کرد و از آن تاریخ تا سال ۲۰۰۳ عراق در محاصره اقتصادی قرار گرفت. در این سال، نیروهای امریکائی و متحدانش از هوا و زمین به عراق هجوم بردند و این کشور را به تسخیر نظامی خود درآوردند. سپس در میان جنگ و کشتار و ویرانی، حکومت دلخواه خود را بر سر کار آوردند.

اما هیأت حاکمه امریکا در محاسبات خود در خصوص عراق، دچار اشتباهات ستراتیژیک شده بود. چرا که به سه ویژگی ستراتیژیک مهم درونی عراق، چندان توجه نکرده بود. بروز ناامنی های گسترده و اقدامات تروریستی گروه هائی از قبیل بعثی ها، شیعه ها، القاعده و...، در مقابل تروریسم دولتی خود را اگر هم در نظر گرفته بود آن را گذرا و موقتی در محاسبه کرده بود.

در اثر موشک باران ها و بمباران های پی در پی، شیرازه جامعه عراق از هم پاشید و بی ثباتی و ناامنی و تروریسم گروه های عراقی و دولتی امریکا و غیره به امری روزمره در این کشور تبدیل گردید به طوری که هیچ شهروند عراقی احساس امنیت نکرد و هنوز هم نمی کند. در این میان، حکومت اسلامی ایران، نخست از معادلات منطقه‌ئی حذف شد اما سپس با توجه به نفوذ غیرقابل انکار آن در میان گروه های کردی و شیعیان، سرانجام امریکا را وادار به بازبینی اهداف و سیاست هایش در عراق و منطقه کرد تا این که با حکومت اسلامی بر سر میز مذاکره نشست. به ویژه آن که ایران از مرز طولانی خود با عراق که بیش از ۱۶۰۰ کیلومتر است، بهره اقتصاد، سیاسی و نظامی می گیرد. از طرف دیگر، بعد از تهاجم سال ۲۰۰۳ امریکا به عراق و وحشی گری هائی که در این کشور راه افتاد حکومت اسلامی ایران، به مرور این فرصت را پیدا کرد تا خود را به عنوان حکومت صاحب نفوذ در معادلات عراق نشان دهد. دخالت های حکومت اسلامی ایران در عراق به ویژه سپاه پاسداران و نیروهای امنیت حکومت اسلامی، در جهت تقویت و تسلیح گروه های شیعه در تحولات قدرت و سیاست عراق را بسیار برجسته تر کرد. همین مسایل سبب شد که برخی از صاحب نظران هیأت حاکمه امریکا و ایران در عراق، منافع ستراتیژیک خود را در مقابل هم قرار دهند. مهم تر از همه، علاوه بر فاکت هائی که در بالا برشمردیم حکومت اسلامی ایران، صرفاً با حذف حکومت بعث عراق به رهبری صدام حسین از معادلات منطقه، بسیار خشنود بود. زیر این دشمن دیرینه از سر راهش برداشته شده بود. در هر حال روند تحولات عراق و منافع مشترک هر سه حاکمیت ایران، امریکا و عراق، فرصت مناسبی را برای آغاز مذاکرات بین ایران و امریکا فراهم کرد و طرفین بارها به مذاکره نشستند.

اما با وجود این که امریکا سربازنش را از عراق ؟؟؟ خارج کرد اما عراق جدید، هم چنان یکی از میدان های اصلی تنش ها و تضادهای خاورمیانه است و رقابت ها دول غربی و در رأس همه امریکا و حکومت اسلامی و دیگر حکومت های منطقه پایان نیافته است. هم چنین این تضادها در مسایل درونی خود عراق نیز با کشمکش هائی میان کردها، شیعیان و سنی ها در جریان است.

در واقع عراق امروز، دچار بحران های عدیده ای است. علاوه بر تروریسم، هم اکنون در درون هیأت حاکمه عراق نیز شکاف تازه ای افتاده است.

در هفته های اخیر، تنش ها در بین سازمان ها و احزاب سیاسی عراق و هم چنین دولت بغداد و اقلیم کردستان عراق، وارد مرحله جدیدی شده و دور دیگری از کشمکش ها و رقابت ها و تحولات سیاسی - امنیتی در عراق آغاز شده است. در این میان، با تشکیل نیروی نظامی «دجله» توسط دولت مرکزی عراق و افزایش حضور این نیرو در مناطق تحت اختلاف بین دولت مرکزی و اقلیم کردستان در واقع اکنون بیش تر تنش ها بر سر آینده شهر ستراتیژیک «کرکوک» و نفت خیز است.

دولت مرکزی بر این نظر است که حضور و افزایش نظامی و امنیتی ارتش دولت عراق در مناطق تحت اختلاف مطابق با قانون اساسی عراق است. اما حکومت اقلیم کردستان با نگاه به ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق بر این نظر است که استقرار نظامی نیروی دجله با دستور مستقیم مالکی تنها علیه اقلیم کردستان انجام گرفته است و تلاش می شود تا با استقرار سلاح های سنگین در مرزهای اقلیم کردها را به کوتاه آمدن در اجرای ماده ۱۴۰ وادار کنند. در همین راستا نیز مسعود بارزانی، رئیس اقلیم کردستان اعلام کرده به چیزی کم تر از انحلال فرماندهی عملیات دجله راضی نخواهد شد و تمام راه های حل ممکن برای مقابله با دیکتاتوری مالکی را در پیش خواهد گرفت.

به این ترتیب، روشن است که اکنون ماحصل ائتلاف مهم شیعه و کرد که در طول يك دهه گذشته مهم ترین محور سیاسی در عراق بوده است به سردی گرائیده و در معرض خطر قرار گرفته است. اما با وجود آن که جلال طالبانی رئیس جمهور عراق، انتقادهائی به روش مالکی نخست وزیر عراق در قبال مسائل کردها دارد اما هم چنان خواهان بر

کناری دولت مالکی نیست. چرا که وضعیت کنونی این کشور تحمل درگیری تازه در حاکمیت را ندارد. از سوی دیگر، وزیر حمل و نقل عراق اعلام کرده است مالکی سلاح علیه کرد به کار نخواهد برد.

جلال طالبانی، رئیس جمهور عراق که نقش زیادی در سازش و توافق گروه های عراقی در حکومت این کشور و هم چنین رابطه خوبی که با دولت های جهانی و منطقه ئی داشت، اکنون بیمار است. حتی چند روز پیش پارلمان عراق به دلیل درگیری شدید بین نمایندگان تعطیل شد و بلافاصله اعلام گردید که مالکی نخست وزیر عراق، به زودی از سوی پارلمان مورد استیضاح خواهد شد.

چنانچه کسانی هم چون طالبانی، حکیم و صدر نتوانند به میانجی گری بین دولت عراق و حکومت اقلیم کردستان بپردازند ممکن است تنش های داخلی در عراق، شدت یابد و حتی به درگیری نظامی نیز منجر گردد.

افغانستان

حکومت اسلامی ایران و هم حکومت امریکا و هم افغانستان هر سه به شدت نگران ظهور مجدد طالبان هستند. طالبان نیروئی که در گذشته خصومت و دشمنی خود علیه حکومت اسلامی ایران و هم علیه شیعیان افغانستان را نشان داده است.

در حمله امریکا به افغانستان، حکومت اسلامی ایران سرویس های زیادی به امریکائی ها داد. دست کم حکومت اسلامی ایران، بیش ترین مساعدت را انجام شد تا کرزی به قدرت برسد و نماینده امریکا هم این مسأله را تأیید کرده است.

خبرگزاری فارس، وابسته به ارگان های امنیتی و اطلاعاتی حکومت اسلامی، در تاریخ دوشنبه ۱۸ دی ۱۳۹۱، نوشته بود: «یک اندیشکده امریکائی با انتشار گزارشی مفصل به کاخ سفید پیشنهاد می دهد که امریکا می تواند به بهانه منافع مشترک خود با ایران در بحث افغانستان، در سایر مسائل نیز به گفت و گو بپردازند و روابطش را با تهران بهبود دهد.»

به گزارش فارس، خبرگزاری «اینتر پرس سرویس» در مقاله ای به فرصت بهبود روابط میان ایران و امریکا با استفاده از منافع مشترک دو کشور در افغانستان اشاره کرد. «جازمین رامسی» نویسنده این مقاله با اشاره به دشمنی طولانی مدت میان دو کشور، می نویسد که این دشمنی ها را می توان به بهانه منافع مشترک در افغانستان کنار گذاشت و به بحث درباره مسائل مختلف بین المللی پرداخت.

بنا به مطلب جدیدی که توسط اندیشکده "استمسون" یکی از اندیشکده های تأثیرگذار امنیت ملی منتشر شد، مشارکت با ایران درباره منافع مشترک در افغانستان می تواند به بهبود روابط دو کشور و برقراری ثبات در افغانستان پس از عقب نشینی نیروهای نظامی خارجی به رهبری امریکا در سال ۲۰۱۴، کمک کند.

گزارش اندیشکده «استیمسون» موسوم به «مشارکت با ایران در بحث افغانستان»، در شرایطی منتشر شد که نگرانی ها از دیدگاه آینده مردم افغانستان نسبت به امریکا افزایش یافته است؛ به ویژه پس از سیل اتفاقاتی نظیر کشتار ۱۶ غیر نظامی افغان به دست یک گروهیان امریکائی «نیروهای بین المللی کمک به امنیت افغانستان» (ISAF، «ایساف») که عقب نشینی هرچه سریع تر را می طلبد.

«الن لیبسون» رئیس و مدیر عامل اندیشکده «استیمسون» و از مقامات سابق وزارت خارجه است که در شغل خود بر تدوین سیاست های خاور نزدیک و خاورمیانه تمرکز کرده است. او، معتقد است: «امریکا در ایران منافعی دارد که از صرفاً مسأله هسته ئی بسیار گسترده تر هستند.» ایران در طول دو سال گذشته با تحریم های بی سابقه، ترور دانشمندان هسته ئی، سایر اقدامات مخفیانه و غیرقانونی و افزایش تهدید به حمله نظامی مواجه شده است.

از سوی دیگر، در یکی از جلسات توجیهی درباره ایران در «دانشگاه مریلند» (امریکا) «برژینسکی» تأکید کرده است که یکی از پیامدهای منفی حمله اسرائیل، انتقام گرفتن ایران از نیروها و هم چنین منافع امریکا در افغانستان خواهد بود. این مشاور سابق امنیت ملی «جیمی کارتر»، تصریح کرد که ایران از آن جا علیه امریکا انتقام خواهد گرفت که هر حمله ای توسط اسرائیل را با اجازه واشنگتن می داند؛ به ویژه اگر نیروهای تل آویو از آسمان عراق تحت کنترل امریکا عبور کنند.

اما گزارش اندیشکده «مرکز استیمسون» نشان می دهد که افغانستان از طرف دیگر حوزه ای است که امریکا و ایران می توانند در آن با هم همکاری کنند. «لیپسون» نویسنده این گزارش اشاره می کند که افغانستان «واضح ترین نقطه اشتراک منافع» و «نویدبخش ترین» موضوع برای برقراری روابط بهتر میان دو کشور است.

در حالی که امریکا و ایران هر دو می خواهند از روی کار آمدن یک دولت به رهبری طالبان و یا تحت کنترل شدید پاکستان جلوگیری کنند، به اعتقاد «لیپسون» یک «عدم توافق انتزاعی» میان امریکا و ایران، دو طرف را از همکاری مؤثرتر با یکدیگر در این زمینه باز می دارد.

با این وجود، بسیاری از نهادهای پژوهشی مسائل بین المللی در غرب بر این باورند که ایران در حال حاضر در تعیین سیاست خود در افغانستان در یک دو راهی قرار دارد و منافع خود را از منشور دشمنی با امریکا می نگرد.

از این رو، حکومت اسلامی، از یک سو متهم است به فراهم کردن کمک های سنجیده شده به طالبان که علیه نیروهای امریکائی و ائتلاف بین المللی می جنگند و از سوی دیگر، خود را متعهد به روابط نزدیک و سازنده با دولت افغانستان نشان می دهد.

مقامات ارشد افغانستان نیز می گویند با ایران هیچ گونه مشکلی ندارند. رئیس جمهور افغانستان، همواره از دوستی و همسایگی نیک دو کشور سخن می گوید.

ژنرال جوزف بلاتز، سخن گوی نیروهای یاری امنیتی در افغانستان می گوید: «به وضعیت سیاسی در افغانستان باید همواره به دید منطقه ای نگاه شود. ما باید همیشه به جایگاه ویژه و منافع کشورهایی مانند پاکستان و ایران توجه کنیم. اخیراً نماینده ایران در جلسه گروه بین المللی تماس در رم شرکت کرد. به بیان دیگر بسیار مهم است که دیده می شود ایران نقشی مؤثر بازی می کند و امیدواریم که این نقش سازنده باشد.»

بلاتز افزود: «از سوی دیگر ما در جریان سال های گذشته شاهد بوده ایم که ایران تلاش کرده که با آموزش شورشیان آن ها را تقویت کند. نگرانی هایی وجود دارد که شاید ایران در چنین چیزی دست داشته باشد. اما فعلاً مدارکی در دست نداریم که جزئیات آن را ارائه کنم.»

حالا این نیروها قرار است در سال ۲۰۱۴ میلادی افغانستان را ترک کنند. کشورهای عضو ناتو از همین اکنون اعلام کرده اند که به رغم خروج نیروهای خود از افغانستان، به حمایت خود از افغانستان کماکان ادامه خواهند داد. هیچ کس به درستی نمی داند که پس از خروج نیروهای خارجی از افغانستان، سرنوشت این کشور چه خواهد شد؟!

تحریم اقتصادی ایران

تحریم ایران، هر چند پدیده تازه ای نیست و از سی و دو سال پیش از اشغال سفارت امریکا در تهران و گروگان گرفتن دیپلمات های امریکائی توسط گروهی به نام «دانش جویان خط امام»، که خمینی آن را انقلابی بزرگ تر از انقلاب ۵۷ نامید، آغاز شده است. در این سه دهه، از یک سو حکومت اسلامی توانسته تا حدودی این تحریم ها را با هم پیمانان خود و رقبای امریکا، دور بزند و از سوی دیگر، فشار این تحریم ها که عمدتاً بر شهروندان است کم ترین اهمیتی برای سران و مقامات حکومت اسلامی ندارد.

اما در چند سال اخیر، بحث بر سر فعالیت های اتمی حکومت اسلامی و تحریم های شورای امنیت سازمان ملل و اتحادیه اروپا و تحریم های یک جانبه امریکا علیه ایران، به هیچ وجه قابل مقایسه با گذشته نیست و توان مردم را بریده است. فقر، بی کاری و گرانی نفس گیر شده و حتی دارو نیز کمیاب شده است. سران حکومت اسلامی، نخست قطعنامه های شورای امنیت را کاغذ پاره نامیدند اما اکنون فشار تحریم ها، زنگ خطر در همه عرصه های اقتصادی کشور را به صدا درآورده و سران و مقامات حکومتی را به وحشت انداخته است.

امروز، شرایط سخت و با امکانات بسیار اندک، سران حکومت اسلامی را نگران کرده است. ایران، در همه عرصه های علمی، تکنولوژیک، عمرانی، کشاورزی و... دچار بحران های شدید و شکننده ای است.

مسئول کمیته دست مزد کانون انجمن های صنفی کارگری استان تهران، با اشاره به حداقل دست مزد تعیین شده برای کارگران در سال جاری (۳۸۹ هزار تومان) اقرار می کند که نرخ سبد هزینه خانوار کارگری را در ماه بین ۱/۵ تا ۱/۶ میلیون تومان اعلام کرد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، مسعود نیازی در جلسه خبری که روز ۱۹ جدی ۱۳۹۱، در دفتر کانون عالی انجمن صنفی کارگران ولایت تهران برگزار شد، به عامل تورم به منظور تعیین دست مزد اشاره کرد و گفت: «نرخ واقعی تورم ماه قوس سال گذشته تا ماه قوس سال جاری ۶۲/۷ درصد بوده است و این در حالی است که بسیاری از اقلام نیز رشد صد در صدی داشته اند و در ماه های باقی مانده نیز با توجه به شرایط موجود تورم بالاتر خواهد رفت... برآوردها نشان می دهد که هزینه هر کارگر در ماه بین ۱/۵ تا ۱/۶ میلیون تومان است.»

مسئول کمیته دست مزد کانون انجمن های صنفی کارگری ولایت تهران، در پایان هم چنین از دستمزدهای ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومانی برای برخی زنان در بازار کار انتقاد کرد و دولت را ملزم به اجرای سیاست های کنترلی مناسب در این رابطه دانست.

با این حساب، در حال حاضر هر خانواده کارگری ماهانه بیش از یک میلیون تومان کسر درآمد دارد پس کارگران چگونه می توانند حتی شکم خود و خانواده شان را سیر کنند!؟

به گزارش قدس آنلاین، سه شنبه، ۱۹ ماه جدی ۱۳۹۱، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی با اشاره به توقف سوخت رسانی از سوی وزارت نفت به ایرلاین های بدهکار در مصاحبه ای گفته است: «بهتر است وزارت نفت بدون استفاده از ابزار قهری و با تعامل و توافق، مشکل طلب خود از شرکت های هواپیمایی را حل کند و حقوق مردم را وجه المصلحه قرار ندهد.»

سید مهدی هاشمی، تصریح کرده است: «انتظار این است که با افزایش بیش از ۷۰ درصدی در قیمت بلیت ها از سوی شرکت های هواپیمایی، ارائه خدمات آن ها نیز ارتقاء یابد و شرکت های هواپیمایی به تعهدات خود عمل کنند.»

به گزارش خبرگزاری مهر، چهارشنبه ۲۰ جدی ۱۳۹۱، محمدحسین عضو هیأت رئیسه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران، با اشاره به کاهش ۴۴ درصدی میزان اشتغال پروانه های بهره برداری صادره صنعتی، گفته است: «در این میان اگر سیاست گذاران چاره اندیشی مؤثر به خصوص در بودجه سال ۹۲ کل کشور نداشته باشند، مسأله اشتغال می تواند در آینده به یک معضل اساسی منجر شود که هم اقتصاد خانواده ها را با بحران روبه رو سازد و هم اقتصاد و کارایی بنگاه های اقتصادی فعال در بخش خصوصی را مختل کند.»

همین نمونه ها، به سادگی نشان می دهند که بحران های جامعه ایران ساختاری و ریشه دار و روی هم انباشته شده اند و جامعه در حال انفجار است. به ویژه عمده ترین درآمد ایران، از منبع فروش نفت خام است. در حالی که تولید نفت به دلیل تحریم ها و سوء مدیریت و کمبود ابزارهای مدرنیزه کردن این صنعت مهم کشور، افت شدیدی پیدا کرده است.

حتی اکنون بسیاری از شرکت های بین المللی بیمه حاضر به بیمه نفتکش های ایرانی نیستند و خریداران آن نیز روزبه روز کم تر می گردد.

به عنوان مثال، در رتبه بندی سازمان جهانی مالکیت فکری در خصوص نوآوری که تحت عنوان «شاخص جهانی نوآوری» مطرح شده است و برآمده از زیرشاخص های متعددی است، ایران از مجموعه ۱۴۱ کشور مورد بررسی رتبه ۱۰۴ را کسب کرده است. در این دسته بندی، کشور مالزی رتبه ۳۲، قطر رتبه ۳۳، امارات رتبه ۳۷، بحرین رتبه ۴۱، عمان ۴۷، عربستان ۴۸، کویت ۵۵، لبنان ۶۱، ترکیه ۷۴، قزاقستان ۸۳، آذربایجان ۸۹، و مصر رتبه ۱۰۳ را کسب کرده اند. به این ترتیب، نه فقط «رتبه» ایران غیر قابل قبول بوده، بلکه «فاصله» ایران نیز با کشورهای منطقه در این زمینه بسیار قابل توجه بوده است.

در گزارش دوره ای دیگری که در سال ۲۰۱۲، توسط سازمان ملل متحد در زمینه آمادگی کشورها در حوزه دولت الکترونیک منتشر شده است، رتبه ایران در منطقه فقط از کشورهای سوریه، عراق و یمن در شاخص های دولت الکترونیک بهتر است. این موضوع از این منظر اهمیت دارد که توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات یکی از زیرساخت های مهم در توسعه سایر فناوری ها و ارتقاء نوآوری در کشور محسوب می شود.

بدین ترتیب، همه شواهد موجود حکایت از آن دارند، ایران که روزگاری کشوری ثروت مند و از امکانات و منابع غنی فراوان برخوردار بود، اکنون به سرعت به سوی پیوستن به ردیف کشورهای فقیر خیز برداشته است. هم چنان از صادرات کاسته شده و در عوض به واردات افزوده شده است.

این هم کافی نیست هنوز خطر حمله نظامی به ایران نیز یکی از گزینه های امریکا و اسرائیل و متحدین آن ها علیه ایران است.

نظر زیگنیو برژینسکی، در رابطه با حمله نظامی به ایران

مشاور اسبق امنیت ملی امریکا، حمله به ایران را احمقانه ترین جنگی می داند که ممکن است امریکا در آن درگیر شود.

زیگنیو برژینسکی، مشاور امنیت ملی رئیس جمهور امریکا در زمان «جیمی کارتر» و تحلیلگر برجسته امریکائی، در مطلبی که اخیراً در روزنامه «واشنگتن پست» منتشر کرده، به بررسی گمانه های مطرح درباره حمله به ایران و پیامدهای چنین کاری برای ایالات متحده پرداخته است.

برژینسکی، با اشاره به این که قرار است به زودی سنای امریکا درباره نامزدهای پست وزارت امور خارجه و وزارت دفاع این کشور تشکیل جلسه داده و اظهار نظر کند، موضوع اقدام نظامی احتمالی علیه ایران را یکی از مسائلی می داند که بار دیگر به طور جدی مطرح می شود.

افزون بر این، مطبوعات اسرائیلی به تازگی اظهارات یک عضو سابق شورای امنیت ملی امریکا را منتشر کرده اند که مدعی شده این کشور تا میانه سال جدید به ایران حمله می کند.

با توجه به این ادعاها، برژینسکی می نویسد ضروری است که موضوع جنگ یا صلح با ایران، به طور جدی بررسی و موشکافی شده و نسبت آن با منافع ملی امریکا سنجیده شود. هر چند او با تکیه بر مهارت توانسته از این که زیر بار تعهدی مشخص برای حمله به ایران برود، اجتناب کند، ولی عدم حصول توافق با ایران بر سر برنامه هسته ای این کشور، ناگزیر فشارهای تندروهای داخلی و خارجی را برای اقدام نظامی علیه ایران افزایش خواهد داد.

به عقیده برژینسکی، ورود به یک جنگ دیگر خودخواسته، پنج پیامد مهم برای ایالات متحده دارد که باید مورد توجه قرار گیرد:

۱- احتمال کارساز بودن حملات نظامی ایالات متحده علیه تأسیسات هسته‌ای ایران چه قدر است؟ این تأثیر چقدر دوام خواهد داشت و هزینه انسانی آن برای مردم ایران چه قدر خواهد بود؟

۲- پاسخ‌های انتقام‌جویانه ایران چه خواهد بود و چه پیامدهایی برای ثبات منطقه خواهد داشت؟ بی‌ثباتی که پیش خواهد آمد، چه قدر برای اقتصادهای اروپا و آسیا آسیب‌رسان خواهد بود؟

۳- آیا حمله ایالات متحده را می‌توان در راستای استانداردهای جهانی توجیه کرد و آیا شورای امنیت سازمان ملل، به ویژه روسیه و چین - با توجه به داشتن حق وتو - چنین کاری را تأیید خواهد کرد؟

۴- از آن‌جا که اسرائیل دارای بیش از صد سلاح هسته‌ای است، این استدلال که ایران ممکن است پیش از به دست آوردن یک زرادخانه قابل توجه هسته‌ای (از جمله توانایی قابل‌اتکای «حمله دوم» که به دست آوردن آن سال‌ها طول می‌کشد) به اسرائیل حمله کند، تا چه اندازه معتبر است؟

۵- آیا به جای توسل به جنگ در یک زمینه منطقه‌ای آماده اشتعال، تعهدات ستراتیژیک بدیل از سوی آمریکا می‌تواند ترتیباتی پایدارتر و محتاطانه‌تر را برای خنثی کردن تهدید بالقوه هسته‌ای ایران فراهم کند؟

برژینسکی، بر این اساس می‌نویسد بهترین برآوردها حاکی از آن است که حمله محدود آمریکا، تنها اثری موقت به همراه خواهد داشت. حملات پیاپی کارآمد خواهند بود، اما موجب افزایش تلفات غیرنظامی شده و ریسک انتشار مواد رادیواکتیو نیز افزایش می‌یابد. علاوه بر این، ملی‌گرایی ایرانی نیز به سمت نفرت پایدار از ایالات متحده سوق پیدا خواهد کرد.

در مقابل، ایران با انتقام‌گیری خود و با فعال کردن جبهه چریکی، می‌تواند زندگی را برای نیروهای آمریکایی در غرب افغانستان مشکل کند. ایران، هم‌چنین می‌تواند در عراق دست به فعالیت‌هایی بزند که به نوبه خود، کل منطقه را تحت تأثیر قرار داده و از طریق سوریه، به لبنان و حتی اردن انتقال خواهد یافت.

در این میان، هرچند نیروی دریایی ایالات متحده خواهد توانست تنگه هرمز را باز نگه دارد، افزایش هزینه‌های بیمه برای محموله‌های نفتی، تأثیری منفی بر اقتصادهای اروپا و آسیا خواهد داشت و ایالات متحده مسؤول این امر قلمداد خواهد شد.

با توجه به حضور ضعیف ایالات متحده در سازمان ملل - جایی که آمریکا توانست تنها حمایت هفت کشور را در مخالفت با عضویت فلسطین به دست آورد - می‌توان به جرأت پیش‌بینی کرد که حمله بدون مجوز ایالات متحده به ایران، خشم گسترده جهانی را به دنبال خواهد داشت؛ افزون بر این، در صورتی که مجمع عمومی اقدام آمریکا را محکوم کند، نتیجه آن انزوای بی‌سابقه بین‌المللی برای این کشور است که هم‌اکنون نیز در آشوب طولانی مدت منطقه درگیر است.

کنگره آمریکا نیز باید توجه داشته باشد، دوستان خاورمیانه‌ای و اروپایی ایالات متحده که از اقدام نظامی علیه ایران دفاع می‌کنند، بیش‌تر درباره آمادگی خود به ریخته شدن خون خودشان در یک درگیری جدید در خاورمیانه، سکوت می‌کنند.

از همه بدتر برای آمریکا این که نخستین نفع‌برنده از این جنگ بی‌ملاحظه، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه خواهد بود که خواهد توانست نفت خود را به بهای دلخواه به اروپا بفروشد و در عین حال، با فراغ‌بال، هرگونه که می‌خواهد با گرجستان و جمهوری آذربایجان رفتار کند.

با توجه به همه این ملاحظات، برژینسکی نتیجه می‌گیرد که دست‌نیافتن به توافقی رضایت‌بخش با ایران، نباید توجیه دست‌زدن به جنگی قرار بگیرد که احتمالاً تنها به ایران محدود نخواهد ماند. در این زمینه، آمریکا باید ضمن ادامه مسیر سیاست‌های کنونی، با ایران به همان‌گونه‌ای رفتار کند که پیشتر در قبال توانایی هسته‌ای اتحاد شوروی و

سپس کره شمالی رفتار کرد. به این ترتیب، امریکا باید از دست زدن به جنگی که نه مورد حمایت مردم امریکا و نه حتی اسرائیلی هاست، اجتناب کند.

نتیجه گیری

در شرایطی، که بحران های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تمام جامعه ایران را فراگرفته شاید سران و مقامات حکومت اسلامی بر این باورند که مذاکره با هیأت حاکمه امریکا و سازش با «شیطان بزرگ»، برای کاستن فشارهای بین المللی و بحران هایش مؤثر واقع شود.

مذاکرات حکومت اسلامی ایران و امریکا، چه شایعه و چه واقعی باشد اما آن چه که مهم است حکومت اسلامی در انزوای بین المللی به سر می برد و در داخل کشور نیز با بحران های اقتصادی و مخالفت افکار عمومی قوی روبه روست. از این رو، حتی کشاندن چنین شایعه ای به رسانه های داخلی و بین المللی، دست کم این خاصیت را دارد که یک نوع سنجش افکار عمومی و زمینه سازی برای مذاکره به شمار می آید.

چه این مذاکرات آن ها به نتیجه برسد و چه به نتیجه نرسد تغییر چندانی در وضعیت مردم ایران به بار نخواهد آورد به خصوص لقمه نانی به سفره بی رونق و خالی کارگران و محرومان جامعه ایران اضافه نخواهد کرد. از این رو، کارگران و مردم آزاده ایران، باید به مبارزه مستقل و متحد و پیگیر خود علیه کلیت حکومت اسلامی، اتکاء کنند و اسیر تبلیغات و توهم پراکنی های رسانه های داخلی و بین المللی نگردند.

آن چه در حکومت اسلامی به حساب نمی آید، حقوق مردم است. این حکومت در بیش از سه دهه حاکمیت خود، با تمام قدرت و امکاناتش به مردم ضربه زده و هنوز هم در حال ضربه زدن است. دهه هاست که اکثریت مردم ایران، به ویژه مزدبگیران با انواع مشکلات هم چون فقر، بی کاری، گرانی و... دست و پنجه نرم می کنند. این وضعیت، برای مردم قابل تحمل نیست و نمی تواند بیش از این دوام داشته باشد. بنابراین، جامعه ما در آینده نزدیک شاهد اعتصابات کارگری و اعتراضات عمومی در سراسر کشور خواهد بود.